

سطور نخستین این نسخه گویا مطابق به سطور نسخه دیگر ترجمه منثوری است که در کتابخانه مرکزی بتیاله حفظ میشود. درین اثر، ترجمه به فیضی منسوب است و آن نسخه است بس زبیرا خوش خط که دارای چار بخش میباشد، ازین قرار:

اول: موما تمایا، یعنی اهمیت دینی گیتا، ثانیاً، ترجمه ای بزبان هندی برسم الخط فارسی منسوب به، راجاجای سنگه سیوای، ثالثاً، متن اصلی در زبان سنسکرت و رابعاً ترجمه منثور بزبان فارسی منسوب به فیضی فیاضی. اسم فیضی که بران اطلاق گردیده گویاناشی از سهواست.

احتمال میرود که دارا شکوه هم گیتا را بفارسی گردانده باشد. کتابخانه دیوان هند نسخه دیگری تحت شماره (۱۹۴۹) بنام (بگود گیتا) دارد. و این اثر با آن یک که در برتش موزیم به شماره (۷۶۷۶) موجود است و در بالا ازان یاد کردیم، مطابق میباشد. و اکثر آن می نویسد که نسخه برتش موزیم غلط به ابوالفضل نسبت یافته و صاحب حقیقی آن دارا شکوه است، چنانچه این نکته به یادداشتی در یکی از صفحات نسخه مذکور، در کتابخانه دیوان هند، نشان داده شده است. (۱)

نسخه ای که ظاهر با نسخه بالا (۱۹۴۹)، مال کتابخانه دیوان هند؛ مطابق میباشد آن است که به نام (آب زندگی) (۲) دو کتابخانه انجمن شاهی بنگال محفوظ است. این اثر به هژده بخش منقسم میباشد. با این که دلیل روشنی در باره انتساب آن به دارا شکوه در میان نیست این اثر با آنان که در بالا ذکر شد مانند است و آنرا اثر شهزاده موصوف میدانند.

کتابخانه برتش موزیم باز نسخه دیگری بنام (۵۶۵۱) در تصرف خود دارد که با نسخه یاد شده در بالا (۷۶۷۶) همانند نیست. در دیباچه، این ترجمه به ابوالفضل نسبت می یابد و در اکثر ریو هم انتساب آن را به ابوالفضل احتمال میدهد. در یادداشت گفته می شود، این عبارت احتمال بیشتر را درین مورد دارد تا اینکه در دیگری، زیرا ترجمه حاضر به نثری کاهلا غیر فنی و به فارسی بسیار شیرین

۱- کتلاک کتابخانه دیوان هند تألیف دکترانه ج ۱

۲- کتلاک مختصر تحلیلی آثار قلمی فارسی در مجموعه انجمن آریایی بنگال تألیف

صورت گرفته . (۱) به بیان دا کتر اته این نسخه ، با اندکی احتمال اثر ابوالفضل خواهد بود (۲) .

ابوالفضل زبان سنسکرت یاد نداشت . بدین جهت ، او مها بارت را بمعاونت عده ای از (پندت ها) ترجمه کرد . او در بین آثاری که برای اکبر ترجمه کرده و جزئیات آنها را در آئین اکبری یا دنموده گیتا را شامل نمیکند . منتخب التواربخ بد اوئی نیز از آن یاد آوری نمی نماید . با این وصف بیاد باید داشت که در میان سائر مترجمان گیتا از ابوالفضل بیشتر نام برده میشود . صرف چند نسخه معهودی هست که در آنها ترجمه منشور از ابوالفضل خوانده شده باشد . شواهدی که از متن دیباچه چنین نسخه حاصل میشود ما را به یقین میرساند که ابوالفضل این اثر خود را نظر به خواهش اکبر تهیه نموده . نشر بسیار دلکش و زیبایی که در چند جابه نظر می خورد خواننده را بیاد سبک خاص ابوالفضل میاندازد .

دا کتر اته در کاتا لوگ کتابخانه بود لیان ، یک نسخه دیگر گیتا را بنام (ارجونا گیتا) یادداشت کرده که ظاهراً آنرا اثر ابوالفضل میدانند .

کتابخانه هاردنج در دهلی هم نسخه ای از همین نوع دار در مسمی به (ارجونا گیتا) است . عبارات دیباچه آن مطابقت به عبارات دیباچه نسخه هائی میرساند که در بالا ذکر شد .

این ترجمه به فصل های جدا گانه ، بطور مرتب تقسیم نشده ، ولی در بعضی جاها خلاهای کوچکی ، در بین پایان یک فصل و آغاز فصل آیند وجود دارد . درین جا اشارات خفیف اضافگی دایر بر شماره مسلسل فصل ها بنظر می خورد . مترجم در آغاز سخن گوید : «سنجا یا ، شاگرد و مرید بابا زباری برای در تراشت چنین حکایت میکند : بدین طریق کرشنا در شروع پیکار مها بارته ارجونا را امر داد که به جنگ رود .»

این دیباچه ادامه می یابد تا آنجا که ترجمه حاوی گزارش جمله نخستین راجع به مسأله (در انرا شترا) ، میگرد .

(۱) کتلاک آثار فارسی بر تش موزیه تالیف دا کتر بوج ۱ ص ۶۰

(۲) کتلاک - کتابخانه دیوان هند : دا کتر اته ج ۱

ترجمه بعضی جنبه های خاص قابل ذکر دارد که برخی از آنها را در ذیل نقل می کنیم:

عده ای نامهای ایزدان بطوریکه بین هندوان رایج بوده بکار رفته است مثلاً معادل بعضی از کلماتی که در متن یاد شده یاد حواشی قید گردیده و یا در بین سطور، در زیر کلمه مربوط ارقام یافته از قبیل کلمه *سنخه* به کلمه مهره ترجمه و کلمه *سنخ* (بسکون دوم) در حاشیه نگاشته شده (علم سنخه) در متن آمده و در تحت آن کلمه (کیان) ثبت شده است. همچنین (علم جوگ) با کلمه (دیان) توضیح گردیده.

مترجم گاه گاه توضیحاتی هم بر عبارات اصلی افزوده و چنین بنظر میرسد که از مبالغه نیز برکنار نمانده است. علاوه بر آن علایمی هست که دلالت می کند ترجمه کاملاً از مفهوم متن اصلی دور شده است. معلوم است که کلمه (چهنده) در زبان سنسکرت بمعنی متر و به بیان دیگر مقیاس است و می بایستی به (وزن) یا (بحر) ترجمه می شد ولی آنرا به کلمه (افسون) و گاهی لفظ (جباب) بمعنی زمزمه رانیز به افسون بر گردانده (۱).

برخی از اصطلاحات بفارسی بس زیبا و دلکش آورده شده و باینکه مترجم کار پر زحمتی را پیش گرفته بوده ازین لحاظ خدمت پرارنج و ابتکاری بعمل آورده است.

هرگاه در صدر باشیم ترجمه منظوم منسوب بفیضی و ترجمه منثور منسوب به ابوالفضل را با هم مقایسه کنیم می بینیم که اثر منظوم در بعضی موارد میل به فشردگی زیاد و ایجاز پیدامی کند به خلاف در اثر منثور آثار لفاظی بخوبی پدیدار است. بطور کلی سبک ترجمه منظوم ساده و بی پیرایه و اما شبیه ترجمه منثور، فنی و مصنوع مینماید. درین صورت روش بیان اثر منظوم نسبت به منثور دارای حلاوت های بسیار است. از جانب دیگر، اثر منثور در برخی جاها نسبت به منظوم سادتر و بی طلب متن اصلی نزدیک تر است.

اینک در ذیل پارچه های بسیار مشهور کیتارا نقل میکنیم.

(۱) کتابخانه هارندنج، ده های اثر موسوم به (ارچونه کیتا)، ترجمه انامرام بتاریخ ۷ شوال

نمونه ای از ترجمه منظوم اثر فیضی :

چو بنیاد دین سست گردد بسی
نمایم خود را بشکل کسی
که حفظ ریاضت گزینان کنم
مراعات عزلت نشینان کنم
بر بزیم خون ستم پیشکان
جهانرا نمایم دارالامان (۱)

نمونه ای از ترجمه منشور :

فرزند بهرت زمانی که روش نیکو کاری از جهان رو به نقصان می نهد و رسم بد کرداری شایان می شود آن هنگام من اختیار کالبدی نموده از نگاهبانی نیکو کاران و هلاک ساختن بد کرداران بجهان می آیم و بجهت حفظ طریقه نیکو کاری در هر جنگ ظاهر می شوم . (۲)

عزیز و نزدیک بخود را برای آهنگ جنگ آماده می بیند سپس با نو میدی از کرشنا استدعای کند .

درین کار حیران کارم بسی
در اندوه و غم دلفکارم بسی
لبم خشک و مو بر تنم خاسته است
ازین غم دل و جان من کاسته است
زدستم قریب است افتد کمان
که در من نمائده است تابو توان (۳)

و اینک ترجمه نثر مسجع آن: *پرتال جامع علوم انسانی*

نه گیرائی در دست و نه قوت در شست و نه زور در بازو و نه پاسنگ در ترازو و قوس قزح ازین اندوه غرقه خون، چشم هالز مشاهده این حال بر مثال قر ایت و جیحون، درد دل آتش سوزان و ازدیده سرشک روان. (۴)

نکته دیگری که ناظم به آن توجه لازم نکرده و اما در ترجمه منشور دقیقاً مراعات شده مربوط قسمت های منقول در ذیل است که راجع به جاودانه بودن روح می باشد:

(۱) شریبمد بکود کیتا بزبان فارسی اثر فیضی با اهتمام محمد شفیع کامبوه ص ۴۲-۴۳

(۲) ارچون کیتا، نسخه قلمی کتابخانه هاردنج، دهلی

(۳) شریبمد بکود گیتا بفارسی اثر فیضی با اهتمام محمد شفیع کامبوه

(۴) - ارچون کیتا نسخه کتابخانه هاردنج، دهلی

تن هر کس همچو جا مه بود شواد باره هر گاه کهنه بود
 پیوشنده جا مه جانست نام خیال فنا گشتنش هست خام
 نه سوزد به آتش نه آتش برد نه مستی نه غفلت نه خواش برد (۱)

چنانکه در ذیل مشاهده خواهد شد ترجمه منشور نسبت به ترجمه منظوم فیضی به متن نزدیک تر می باشد:

چنانچه آدمی جامه کهنه گذاشته رخت نومی پوشد همچنان جان نیز قالب را گذاشته به قالب دیگر می در آید. اورا تیغ نتواند برید و آتش نمی تواند سوخت و آب نمی تواند برد و باد نمی تواند براند، در همه جا حاضر است و پیدا است و آشکارا است و پنهان نیست، او را نه غم مرگ و نه تشویش مهلك، پس تو چرا غمناکی و ازین فکر های بیهوده سینه چاک می .

صاحب ترجمه منشور گاهگاه، باغنتام فرصت در خلال ترجمه بعضی اصطلاحات بکلی خاص زبان فارسی را می گنجاند از آن جمله میتوان از کلمات تهمن (ارجن) و فراغ ذکر کرد، آنجا که گوید: چشم ها از مشاهده این حال بر مثال فرات و جیحون ... بهمین نحوه او شریعت و طریقت و حقیقت را با ما فاهیم سه گانه (راجو گونا)، (تمو گونا) و (ستوا گونا)، علی الترتیب مقایسه مینماید.

رجکن - شریعت، تمکن - طریقت، ستکن - حقیقت.

چنانچه از زبان فارسی آهنگ رزمی پیدامی کند و این خاصه بدان هنگام که مترجم سخن از جنگ و پیکار میراند، او در خلال ترجمه فصل اول می گوید:

- متوجه یکدیگر شدند، قیامت بر خاست و صداهای بوق و نقره آن چنان در زیر این گنبد اخضر پیچید که آواز های بزن و بکش و بکیر و بدار و بده و بستان همه بر یکدیگر پوشیده شده.

- صدای بر هول و غوغای بر وحشت و شور درین طاق نه رواق گنبد خضر ایچید که کرو بیان ملاه اعلی سراز جیب در بیچاه بالا جنت تما شای بزیر داشتند (۲).
 بدین طریق صحنه واقعی جنگ در لفافه کلمات مبین ترسیم گردیده و در چنین موارد است که مترجم چندان متوجه وقت ترجمه نبوده است.

(۱) - شریمدیکو و کیتا بفارسی اثر فیضی با اهتمام صحبه شفیع کا مبوه

(۲) - ارجون کیتا نسخه کتابخانه هاردنچ، دهلی

قراین زیادی هم وجود دارد که مینماید در تر جمه غلو احساسات شده است . مثال
از نوع نثر مسجع این اثر کم نیست چند نمونه آن در ذیل نقل می شود :

همه خویش و تبار و جمله برادرو با رند و اکثر پدران بزرگوار و استادان حق
دارو هم مکان وفا دارا ند .

- دست به قتل ایشان گشادن درو و جنگ آنها نها دن .

سراهدن و بینی را از آمدورفت نفس بر بسته و از غم و شادی و نیست و هست و ارسته
و کوس فراغت بر طارم اخضر نواخته بارنج و محنت روزگار در ساخته تکیه زده است .
- روشنی نور تو چون مشعل روزگار کاشف حقایق و اسرار است . ذات تواز قیاس
مایرون است و صفات از حد و شمار افزون و بیم زوال و وهم انتقال باین در گاه راه ندارد .
- غافل و تیره و جاهل و خیره و کذاب و قلاب و کاهل و داهل .
معلوم نیست که شاهد ظفر در آغوش که خواهد آمد و ا بکار مراد در کنار که
خواهد رفت .

- عندلیب جان رابه ترانه این نغمات بر غوغا باید ساخت .

مترجم گاهی در تمثیل موضوع ، اشعار خوبی ایراد کرده . نمونه آن در ذیل
نقل می شود :

آنها که شدند کهنه و آنها که نوند هر يك بمراد خویش يك يك بدوند
این شغل جهان بکس نمایند جا و عاید انسانی رفتند در و نیم و دیگر آیند در و نند

Prof. Y.D. Apuja

پرتال جامع علوم انسانی

هنرمند

که هر کس مزاورا خریدار نیست	هنر مند با شد بسا ن گهر
هنر مند را بی هنر ، عار نیست	زبی حاصلی گر نخواهد بطبع
بدل ما بلد در شهوار نیست	زبی ما بگی دان اگر عاقلی
کزین خوبتر هیچ گفتار نیست	چه خوش نکته گفتند اهل خرد
کزین نوع هر جای بسیار نیست	هنر مند باید که باشد چو فیال

ابن یسین